



شهر بدون پاتوق / کرونا فرصتی برای تجدیدنظر در گذران فراغت

مدت زیادی است که کافه‌ها به تنها محل گذران اوقات فراغت جوانان تبدیل شده‌اند بی‌آنکه معنایی به زندگی آنان ببخشند، کرونا فرصتی است تا درباره تفریحات سالم‌تر و فردی بیشتر فکر کنیم.

مدت زیادی است که کافه‌ها به تنها محل گذران اوقات فراغت جوانان تبدیل شده‌اند بی‌آنکه معنایی به زندگی آنان ببخشند، کرونا فرصتی است تا درباره تفریحات سالم‌تر و فردی بیشتر فکر کنیم.

خبرگزاری مهر، گروه استان‌ها - بهنام عبداللهی: مثل مردان و زنانی که دیگر خانه پدری در کار نباشد، حالا جایی برای رفتن، نشستن و خلاص شدن از دلتنگی نمانده است.

ضربه تعطیلی سالن‌های ورزشی، آرایشگاه‌ها، سینماها یا کنسرت‌ها، هیچ کدام به اندازه تعطیلی کافه‌ها برای جوانان کاری نبود و گویی تعطیلی کافه‌ها تعدادی از جوانان را بی‌پناه کرده است.

یک جوان در این مورد اظهار کرد: «هیچ وقت فکر نمی‌کردیم روزی یک بیماری بتواند یک پاتوق همیشگی را از ما بگیرد.»

کافه، سال‌ها است که بخشی از دنیای شهرنشینان شده و حالا کرونا، بخشی از دنیا را تعطیل کرده است. چندین سال است که آدم‌ها بدون اینکه از قبل برنامه‌ای چیده باشند، برای رفع خستگی، دیدن دوستان، نوشیدن فنجانی چای به کافی‌شاپ و برای استعمال قلیان به کافه می‌روند.

سال‌ها است کافه در ادبیات شهری برای خود جا باز کرده و کنجی دنج شده است. در ایران، کمبود تفریح برای اقشار مختلف جامعه از جمله نوجوانان و جوانان، یکی از مهم‌ترین عوامل پررونق بودن کافه‌ها به حساب می‌آید. این چیزی است که کارشناسان جامعه‌شناسی از آن سخن می‌گویند.

بی‌برنامگی جوانان را به کافه می‌کشاند

محمد عمرانی یکی از همان جامعه‌شناسان است که این موضوع را برای خبرنگار مهر بیشتر توضیح داد و گفت: بی‌برنامگی برخی جوانان، از هر موضوعی مهم‌تر است. به نظر من اینکه یک جوان شغل نداشته باشد، اما برای روزهای بیکاری خود برنامه بچیند، خیلی زود به موفقیت و شغل دلخواه خود می‌رسد.

وی ادامه داد: وقتی چارچوبی برای حضور در کافه‌های مختلف و دیدن و هم‌صحبتی با دوستان تعریف نشده باشد، هیچ کافه‌ای نمی‌تواند مفید واقع شود و از این فضا صرفاً می‌توان به عنوان محلی برای فراموشی مشکلات و هدر دادن زمان یاد کرد.

در حال حاضر با جوانانی آشنا هستیم که هر روز با این امید که ظهر یا عصر به کافه بروند، از خواب بیدار می‌شوند و متأسفانه وقتی برای روند زندگی خود خط مشی تعریف نمی‌کنند، آدم‌های حاضر در کافه و جو موجود در آن محیط، افسار زندگی و نوع تفکر و بینش آنان را به دست می‌گیرند.

این جامعه‌شناس با یادآوری این موضوعات، از مسئولان و متولیان فرهنگی انتقاد کرد.

در تبریز جوانان برای تفریح چه می‌کنند؟

در تبریز که یکی از شهرهای بزرگ و پرجمعیت ایران به حساب می‌آید، جوانان نه تنها از مشکل کمبود اشتغال رنج می‌برند، بلکه برای بیکاری و اوقات فراغت خود هم برنامه خاصی ندارند.

اگر چشم‌هایمان را معیار عادلانه‌ای برای تحلیل وضعیت گذران اوقات فراغت جوان بدانیم، از هر پنج صندلی در تئاتر، شاید تنها یک یا ۲ صندلی رزرو گروه سنی جوان یا نوجوان باشد. در سینما حضور جوانان پررنگ‌تر است، اما در کتابفروشی‌ها، کتب غیردرسی به ندرت لمس دستان جوانان را تجربه می‌کنند.

شهرسازی های استاندارد چشم گیری در تبریز فعال نیستند و عملاً نوجوانان و جوانان مجبور می شوند برای تغییر حال و هوای خود در باشگاه های ورزشی حضور پیدا کنند و تعدادی از جوانان هم به کافه ها می روند.

یک فعال فرهنگی این را نگران کننده دانست و به خبرنگار مهر گفت: در برنامه جوانان موضوعات فرهنگی دیده نمی شود و از طرفی حضور و هم صحبتی در کافه ها را به هیچ وجه نمی توان به عنوان فعالیت فرهنگی محسوب کرد.

کسی از نظر فرهنگی و اجتماعی بر کافه ها نظارت نمی کند

رضا منصوری ادامه داد: فضای سالمی غالباً در کافه ها و قهوه خانه ها حاکم نیست و فردی که در این محافل حضور پیدا می کند، علاوه بر به بطالت گذراندن اوقات خود، ممکن است با برخی ناهنجاری ها آشنا شود.

منصوری تصریح کرد: نظارتی از بعد فرهنگی و اجتماعی بر کافه ها وجود ندارد و معمولاً صاحبان کافه ها برای جلب مشتری و فراهم آوردن فضای متفاوت برای جوانان، هر محتوای و شیوه مورد علاقه خود را پیاده می کنند و نمونه این، پخش موسیقی هایی است که به هیچ وجه با فرهنگ ما هم خوانی ندارد.

با این اوصاف حضور پررنگ ویروس کرونا در کشور ما بسیاری از کافه ها را به تعطیلی کشانده و همین موجب متضرر شدن صاحبان کافه ها شده است.

بیرون بر، واژه پرکاربرد این روزها

بیرون بر، در ادبیات رستوران داری و کافه داری واژه تازه ای نیست؛ اما این روزها نسبت به گذشته پرکاربردتر شده است. بسیاری از صاحبان کافه ها برای بیرون رفتن از زیر بار ضرر اقتصادی تعطیلی، سفارشات مشتریان خود را صرفاً به شکل بیرون بر ارائه می کنند که البته مورد استقبال چندان جوانان قرار نمی گیرد.

از نظر برخی فعالان حوزه سلامت، این هم چندان بی خطر نیست. به صف ایستادن مشتریان مقابل کافه، تجمعی ایجاد می کند که ممکن است برای انتقال کرونا، گوشه دنج و مناسبی باشد ولی صاحبان کافه ها جور دیگری فکر می کنند.

نامدار که کافه ای در مرکز شهر تبریز دارد، گفت: اگر بدانیم که به خاطر کرونا تعطیلی کافه ها یک ماه، ۲ ماه یا سه ماه است، حتماً قید ارائه خدمات بیرون بر را می زدیم ولی حالا که هیچ کس نمی داند این ویروس تا چه زمانی در شهر ما پرسه می زند، مجبوریم پول دربیآوریم.

وی یادآور شد: کافه دارها به دلیل قرارگیری مغازه هایشان در نقاط مرکزی و بالای شهر، اجاره بهای سنگینی را متحمل می شوند بدون اینکه در ماه های اخیر درآمد درست و حسابی داشته باشند.

یکی از موضوعات بحث برانگیز که در تمام این سال ها مطرح شده، بهای نوشیدنی ها و خوراکی هایی است که در کافه ها سرو می شود. دست کم در ایران، همه بر این باورند قیمت واقعی یک فنجان چای کمتر از ۱۰ هزار تومان و قیمت یک فنجان قهوه اسپرسو نباید دور و بر ۱۸ هزار تومان باشد؛ اما هست!

اینکه آیا جوانان در فضایی به دور از کافه و آدم های کافه حاضر هستند چنین مبالغی برای چای یا قهوه پرداخت کنند، موضوعی است که باید بیشتر درباره آن تأمل کرد.

علی رضا، جوانی اهل تبریز است که در این باره اظهار کرد: حداقل هر ۲ روز یک بار به یکی از کافه های شهر سر می زدم و نوشیدن قهوه یا چایی آخرین هدفم از مراجعه به کافه بود و بیشتر به دنبال دیدن دوستانم بودم.

چیزی گم شده که تا پیدا شدن داروی کرونا پیدا نمی شود

وی تصریح کرد: دوستانی دارم که آن ها را صرفاً در کافه ملاقات می کردم و اصلاً دوستی هایمان در کافه شکل گرفته و از طرفی با هم دانشگاهی ها در کافه می نشستیم و از درس و کار و بار صحبت و خستگی کلاس ها را به در می کردیم.

علی رضا از اولین لحظه ای که خبر شیوع ویروس کرونا را شنیده، تنها به این خاطر ناراحت شده که احتمال داده یک روز کافه ها را هم به تعطیلی بکشد و آن روز جایی برای رفتن و نشستن و رفع دلتنگی ها باقی نمی ماند.

این روزها آن دسته از افرادی که تنها با هدف صرف قهوه یا چایی به کافه ها مراجعه می کنند، در حالت بیرون بر هم چیزی را از دست نمی دهند، اما آن دسته از جوانان که کافه را پاتوق خود می دانند، همچنان چیزی را گم کرده اند که می دانند تا زمان پیدا شدن درمان قطعی ویروس کرونا پیدا نمی شود.

اگرچه وجود کافه ها به کشور ما خلاصه نمی شود و در نقاط مختلف جهان می توان انواع آن را دید، اما مهم ترین دلیل حضور جوانان ما در کافه ها، نبود جایگزین مناسب برای گذران اوقات فراغت و تفریح سالم، ارزان و در دسترس است؛ چیزی که شاید در دیگر کشورها کمتر به چشم بخورد.

اگر چه سالانه بودجه های کلانی برای امور فرهنگی هزینه می شود، اما تا زمانی که نوجوانان و جوانان کافه را به عنوان پناهگاهی برای اوقات خود می دانند باید از مسئولان امر در این باره سوال و مطالبه کرد.